

This question paper contains 7 printed pages]

Your Roll No.....

6995

M.A./IV Sem.

A

Group B : Classical Persian Literature

PERSIAN—Paper 307 B

[Mystical (Sufi) Literature-II]

Time : 3 Hours

Maximum Marks : 70

(Write your Roll No. on the top immediately on receipt of this question paper.)

Attempt all questions.

همه پرسشها الزامی است۔

1. Translate any *two* of the following extracts into Urdu or Hindi or English adding explanatory notes where necessary : 20

از متون زیر دو را به اردو یا ہندی یا انگلیسی برگردانید و توضیحات

لازم را ہم بدهید :

(الف)

در میان چین فناد از وی پری

لاجرم پر شور شد هر کشوری

هر کسی نقشی از آن پر برگرفت

هر که دید آن نقش کاری را گرفت

گر تکستی نقش بر او عیان

این همه غوغا نبودی در جهان

این همه آثار ضعیف از فرا دست

جمله نمودار نقش پرادست

چون نه سر پیداست و صفش را نه بن

نیست لایق بیش از این گفتن سخن

(ب)

جمله گفتند این زمان در روزگار

نیست خالی هیچ شهر از شهر یار

چون بود کا قلم ما را شاه نیست

بیش ازین بی شاه بودن راه نیست

یکدگر را شاید آریاری کنیم

پادشاهی را طلب کاری کنیم

زانکه چون کشور بود بی پادشاه

نظم و ترتیبی نماند در سپاه

پس همه با جایگاهی آمدند

سر بسر جو یای شاهی آمدند

(ج)

دیگری گفتش که ای دارای راه

دیده‌اشد در این وادی سیاه

پرسیاست می نماید این طریق

چند فرسنگ است این راه ای رفیق

گفت ما را هفت وادی در راه است

چون گذشتی هفت وادی در که است

وانیامد در جهان زین راه کس

نیست از فرسنگ آن آگاه کس

چون نیامد باز کس زین راه دور

چون دهندت آگهی ای ناصبور

2. Translate any two of the following passages into

English or Urdu or Hindi :

20

از متون زیر دو متن را به انگلیسی یا اردو یا هندی ترجمه

کنید :

(الف)

آورده اند که روزی شیخ بوسعید و شیخ ابوالقاسم گرگانی قدس اللہ

ارواحهم در طوس باهم نشسته بودند بر یک تخت، و جمعی درویشان

پیش ایشان ایستاده، به دل درویشی بگذشت که آیا منزلت این

دو بزرگ چیست؟ شیخ بوسعید حالی روی بدان درویش کرد و

گفت : هر که خواهد که دو پادشاه به هم بیند، بر یک تخت و بر یک
 دل، گودرنگر! درویش چون این سخن بشنید در آن هر دو بزرگ
 نگاه کرد- حق سبحانه و تعالی حجاب از چشم آن درویش برداشت
 تا صدق سخن شیخ بر دل او کشف گشت و بزرگواری ایشان
 بدانت -

(ب)

پیر بو احمد صاحب سر استاد امام بوده است قدس الله ارواحهما
 العزیز، مردی سخت عزیز بوده است - گفت یک شب سحرگاه
 استاد امام را پسری در وجود آمد - استاد در سر خبر آوردند و هنوز
 هیچ کس از اهل خانقاه استاد خبر نداشت و استاد هنوز نام وی
 ننهاده - کسی دست به حلقهء خانقاه باز نهاد، استاد امام گفت : شیخ
 بوسعید باشد - در باز کردند، شیخ بود، در آمد و استاد امام

را گفت ما را آگاهی دادند که شمار خدای فرزندی ارزانی داشته
است و ما را نامی مانده بود، بروی ایثار کردیم، او را شیخ بوسعید
نام نهاد.

(ج)

ابتدایی توبه او آن بود که پرکنیز کی فتنه شد، چنانکه قرار
نداشت - ششی در زمستان در زردیوار خانه معشوق تا با مداد
بایستاد به انتظار او - همه شب برف می بارید، چون بانگ نماز
گفتند پنداشت که بانگ خفتن است - چون روز شد دانست که
همه شب مستغرق حال معشوق بوده است - با خود گفت: شرمت
بادای پسر مبارک که ششی چنین مبارک تا روز به جهت هوای خود
بر پای بودی و اگر امام در نماز سورتی دراز تر خواند دیوانه
گردی، در حال دردی به دل او فرو آمد و توبه کرد و به عبادت شد
تا به درجه ای رسید که مادرش روزی در باغ شد او را دید خفته
در سایه گلبنی، و ماری شاخی زگس در دهن گرفته و گس از وی می
راند.

3. Describe the seven stages of tasawuf in the
Mathnavi Mantiq Uttair of Fariduddin Attar. 10

هفت وادی عرفان که عطار در منطق الطیر توضیح داده است،
ارزیابی کنید۔

4. Write a short note on the importance of Asrar ul
tauheed fi Maqamat-ul-Shaikh-Abi Saeed. 10

گزارشی مختصر در باره اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید
بنگارید۔

5. Introduce Tazkiratul Auliya. 10

تذکرۃ الاولیاء را معرفی کنید۔